

گفت‌وگو با:

پیشکسوت

ورزش ایران

بهرام افشارزاده

فرماندار ورکیانی



دوره هفتم | شماره ۲
زمستان ۱۳۸۶ | ۱۶

با سپاس از فرصتی که به مجله اختصاص دادید تا خوانندگان «رشد آموزش تربیت بدنی» با شما و دیدگاه‌های شما از نزدیک آشنا شوند. شما از جمله چهره‌هایی هستید که هر ورزشکار و دست‌اندرکار امور ورزشی، آرزوی چنین پیشینه‌ای را دارد. لطفاً ابتدا برای خوانندگان مجله بگویید، ورزش را از چه سنی آغاز کردید؟ به چه ورزشی علاقه‌مند بودید و چه طور شد که معلم ورزش شدید؟

ورزش را از سن ۸ سالگی در میادین ورزشی اصفهان شروع کردم. ژیمناستیک را به‌طور مداوم، ولی فوتبال، والیبال و دو میدانی هم کار می‌کردم. در ۹ سالگی در «دبستان ایران» در حرکات زمینی اول شدم. در دوره راهنمایی عضو تیم مدرسه و منطقه، و تا سوم دبیرستان قهرمان آموزشگاه‌های ایران بودم. در دبیرستان ادب درس می‌خواندم. در آنجا ورزش اهمیت خیلی زیادی داشت و من والیبال و فوتبال را خیلی خوب بازی می‌کردم.

حساسیت بسیار زیادی هم روی معلمین ورزش داشتم. اولین معلم ورزش من، در کلاس اول دبستان، آقای محبوبی بود که هنوز هم چهره‌اش را فراموش نکرده‌ام. عشق و علاقه‌ی خاصی نسبت به ورزش و معلمی داشتم و فکر می‌کردم، معلم بهترین راهنمای ورزشکار است. همیشه هم احترام خاصی برای معلمین ورزشم قائل بودم. بزرگ‌ترین آرزوی من رفتن به دانش‌سرای عالی و معلمی

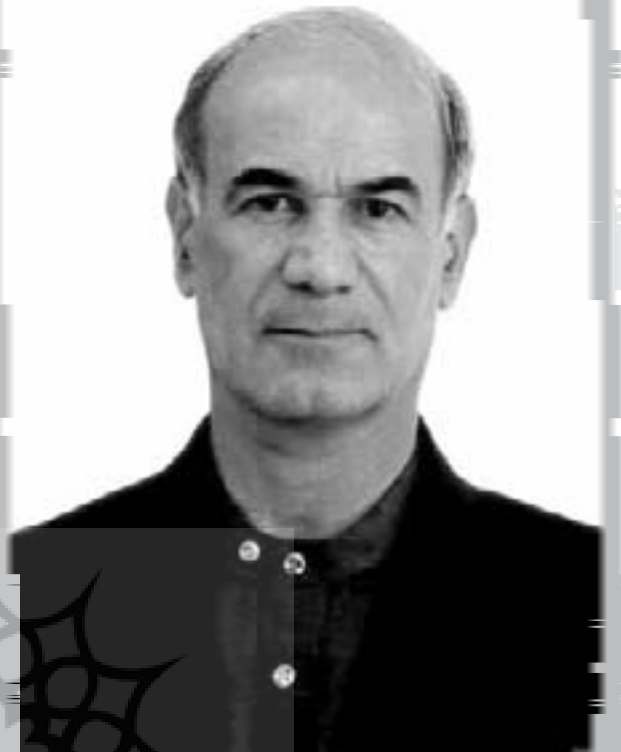
اشاره

بهرام افشارزاده، رئیس فدراسیون وزنه برداری ایران، رئیس کمیته‌ی اطلاعات و آمار شورای المپیک آسیا، نماینده‌ی فنی قاره‌ی آسیا در انجمن کمیته‌های ملی المپیک و مشاور مدیرعامل سازمان منطقه‌ی آزاد کیش، در سال ۱۳۲۱ در اصفهان متولد شد.

او به مدت ۱۱ سال قهرمان تیم ملی ژیمناستیک ایران بود. بعضی از فعالیت‌های رسمی او در فدراسیون‌های ژیمناستیک و بیس بال عبارت‌اند از: مربیگری تیم، نایب رئیسی و دبیری فدراسیون و هم‌چنین ریاست فدراسیون بیس بال و ژیمناستیک. مسئولیت‌های اداری وی از سال ۱۳۴۶ با معلمی تربیت بدنی در آموزشگاه‌های اصفهان آغاز شد و به ترتیب از سال ۱۳۵۴ به بعد، کارشناس مسئول تربیت بدنی، مدیرکل تربیت بدنی استان اصفهان و هم‌چنین تهران بود. البته پست‌های مدیریتی دیگری را نیز در شاخه‌ی تربیت بدنی داراست. او در مجامع بین‌المللی و آسیایی، سمت‌های متعددی داشته و تاکنون کلاس‌های بین‌المللی متفاوتی را برای پیشبرد تربیت بدنی ایران گذرانده و برگزار کرده است.

هدف از این گفت‌وگو، شناساندن یکی از پیشکسوتان ورزش ایران که پست‌های مدیریتی فعالی در امر تربیت بدنی داشته، به مخاطبان است؛ کسی که ورزش را در کودکی و با آموزش آغاز کرده است.

□ قبل از این که معلم ورزش شوم، یک بچه داشتم ولی وقتی معلم ورزش شدم، دیدم که صدها هزار بچه دارم و چه قدر به آن‌ها عشق می‌ورزم و دوستشان دارم



مدارس اصفهان مشغول به کار شدم. باور کنید من در بیش از ده مدرسه در اصفهان تدریس می‌کردم، یعنی تمام مدت روز را مشغول به کار بودم.

اولین مدرسه‌ای که در آن مشغول به کار شدم، مدرسه‌ی «وحید دستگردی» بود که ۱۶-۱۵ کیلومتر از اصفهان فاصله داشت. روبه‌روی قبرستان بود و درب کلاس روبه‌قبرستان باز می‌شد. من با امام جمعه صحبت کردم تا یک زمین بسکتبال، والیبال و هندبال در آنجا ایجاد کنیم. یک زمین پرش طول هم درست کردیم. من ۱۰ سال معلمی کردم. در این ۱۰ سال، لباس گرمکن و کفش کتانی را از تنم در نیاوردم.

کمتر افرادی در این مدت مرا با لباس عادی می‌دیدند. این ۱۰ سال از بهترین اوقات زندگی من بود. معلم ورزش بودن خیلی لذت‌بخش است. این که می‌گویند معلمی شغل انبیاست، کاملاً درست است.

من عاشق بچه‌ها بودم. قبل از این که معلم شوم، یک بچه داشتم، ولی وقتی معلم ورزش شدم، دیدم که صدها هزار بچه دارم و چه قدر به آن‌ها عشق می‌ورزم و دوستشان دارم. بچه‌ها هر کاری داشتند، پیش من می‌آمدند و مرا محرم می‌دانستند. هنوز هم از این که تجربه‌های گوان‌بهای دارم و می‌توانم آموزش دهم، لذت می‌برم. بعد از مدتی، به طرف کار مدیریتی کشیده شدم و در این امور هم سوابق طولانی دارم. خدا را شکر می‌کنم که در سایه‌ی ورزش سالم زندگی کردم و سالم نیز کار کردم. آن‌چه که خداوند در امر مدیریت به من داده، انرژی است که باعث می‌شود، آخر شب هم مثل صبح باشم. من واقعاً خداوند را در کارم دیدم. زمان معلمی، از همیشه راضی‌تر بودم. زمان دانش‌سرا، جمعه‌ها مجانی هندبال، والیبال، بسکتبال و فوتبال را قضاوت می‌کردم. وقتی به شهر خودم، اصفهان می‌روم، می‌خواهم معلمی کنم و به بچه‌ها چیزی یاد بدهم که عالی باشد و بچه‌ها مجذوب شوند.

من می‌دیدم، معلمینی که با کت و شلوار سر کلاس حاضر

ورزش بود.

وقتی دیپلم گرفتم و به سربازی رفتم، باز هم مرتب درس می‌خواندم. دانش‌سرا در آن زمان، یعنی سال تحصیلی ۴۱-۱۳۴۰ تعطیل بود. سال ۴۲ اولین سالی بود که دانش‌سرای عالی اعلام نیاز کرد و ما ثبت نام کردیم. احساس و شوق رفتن به دانش‌سرای عالی تمامی وجودم را لبریز کرده بود و من با تمام احساس و شوق خواستار قبولی در دانش‌سرا بودم.

□ آیا در گذشته، رفتن به دانش‌سرای عالی برای معلم شدن

اجباری بود یا این که بدون آن می‌توانستید معلم باشید؟

○ خیر، بدین صورت نبود. بدون رفتن به دانش‌سرا نیز امکان معلم شدن بود، ولی من دوست داشتم با علم ورزش نیز آشنا باشم. من قهرمان بودم، ولی با علم ورزش آشنا نبودم و دوست داشتم، در این زمینه شاخص باشم. زمانی که امتحان دانش‌سرا را دادم، خودم جرئت نداشتم جواب نهایی را بگیرم. برادرم را فرستادم و او به من خبر داد که نفر سوم شده‌ام.

سال اول دانش‌سرا عاشقانه کار می‌کردم، یعنی عشقم این بود که لباس ورزشی بپوشم و سرکلاس با شوق و عشق حاضر شوم. چهار سال دانش‌سرا، از بهترین سال‌های دوران زندگی من بودند. ضمن این که درس می‌خواندم، عضو تیم ملی ژیمناستیک بودم و به چند مدرسه نیز می‌رفتم و ژیمناستیک تدریس می‌کردم. سال ۴۶ هم استخدام و در

این، به معلمین ورزش اهمیت زیادی داده نمی‌شود. شما سرانه‌ی مدارس را نگاه کنید. تعداد دانش‌آموزان نسبت به معلمین ورزش بسیار زیاد است، یعنی فکر می‌کنم الان بین ۱۷ تا ۱۸ هزار معلم ورزش داریم و حدود ۱۵ میلیون دانش‌آموز. یا ساعت‌هایی که به معلم ورزش اختصاص می‌دهند، ساعت‌هایی هستند که اهمیت ندارند. باید بهترین ساعت‌های درسی را، به درس ورزش اختصاص دهند و معلم ورزش را از نظر امکانات به بهترین نحو تغذیه و او را تشویق کنند. معلم ورزش باید بالای دفتر بنشیند. به او شخصیت ویژه داده شود و امکانات در اختیارش قرار دهند. محیط ورزشی آزمایشگاهی است که بچه‌ها شخصیت‌های واقعی خودشان را در آن نشان می‌دهند. بچه‌ها در کلاس‌های درسی دیگر، صاف می‌نشینند و گوش می‌دهند، ولی سر کلاس ورزش با هم حرف می‌زنند، می‌دوند و سربه‌سر هم می‌گذارند. بچه‌ی شلوغ، در سالن ورزش هم کاملاً نامایان است و بچه‌ی گوشه‌گیر و متزوی نیز همین‌طور. این مسائل را معلم ورزش می‌تواند به مدیر مدرسه اطلاع دهد و می‌تواند با پدر و مادرها صحبت کند. در مملکت ما، به روان‌شناسی و روان‌کاوی و مشاوره اهمیت زیادی نمی‌دهند. ما باید از معلمین ورزش در مورد شخصیت بچه‌ها سؤال کنیم. دبستان می‌تواند بزرگ‌ترین گهواره‌ی ورزشی ایران باشد و بزرگ‌ترین قهرمانان را پرورش دهد.

❑ ضرورت تدریس درس تربیت بدنی در مدارس چیست؟ چرا این درس باید در مدارس آموزش داده شود؟

○ تربیت بدنی یک علم است؛ علمی که آموزش آن برای بچه‌ها ضرورت دارد تا بتوانند رشته‌های ورزشی مورد علاقه‌ی خودشان را بشناسند. معلم دانا باید دانش‌آموزان را با این علم آشنا کند تا بچه‌ها به‌راحتی بتوانند، به علاقه‌های خود دسترسی پیدا کنند. تربیت بدنی پایه و بنای شناخت ورزش است و آموزش آن در مدارس توسط معلمین فرهیخته و با تجربه ضرورت دارد. باید به این درس اهمیت ویژه داد و به‌راحتی از آن رد نشد. من خودم چندین مرتبه دانش‌آموزان را از درس تربیت بدنی تجدید کردم.

❑ به نظر شما، وظایف معلم ورزش برای انجام مسئولیت‌هایش چیست؟ شناخت این وظایف چه تأثیری در رشد و بالندگی دانش‌آموزان خواهد داشت؟

○ معلم ورزش باید خودش را باور کند. به عقیده‌ی من، او باید شخصیت خاصی داشته باشد. نباید آن‌چه را که مدیر یا ناظم مدرسه می‌گوید و خلاف آموزشی است که به خودش داده‌اند، چشم‌پوشه قبول کند. باید سعی کند، کلاس‌هایش را در بهترین ساعت‌ها قرار دهد. بهترین معیار خود معلم ورزش است که باید خیلی مرتب باشد، به لباس پوشیدن و

می‌شوند، چه قدر مورد تنفر بچه‌ها قرار می‌گیرند. من نمی‌خواستم جزو آن‌ها باشم. دلم می‌خواست بچه‌ها مرا دوست داشته باشند و واقعاً هم همین‌طور بود. آن‌ها عاشقانه با من صحبت می‌کردند و من به آن‌ها عشق می‌ورزیدم و چیزهایی را که یاد گرفته بودم، خالصانه، چه در ژیمناستیک چه در رشته‌های دیگر، به آن‌ها آموزش می‌دادم.

❑ از معلمی گفتید و این که سوابق و تجربه‌های فراوانی در این زمینه کسب کرده‌اید. به نظر شما تفاوت بین ورزش و تربیت بدنی چیست؟ آیا این دو با هم تفاوت دارند؟

○ البته، ورزش کاری حرفه‌ای است در رشته‌های خاص، ولی تربیت بدنی همان تربیت بدنی مدارس است که باید فرضاً ۱۰ دقیقه نرمش کنند، و مهارت به‌دست آورند. تعمیم و گسترش ورزش از همان تربیت بدنی است.

به نظر من، کسی که در تربیت بدنی فعالیت می‌کند و معلم است، مطمئن باشید که در کنارش کارهای فرهنگی نیز دارد. شما وقتی به دانش‌آموزی یک حرکت صحیح را آموزش دهید و از او بخواهید صحیح عمل کند و نمره بگیرد، این خودش کار تربیتی است که اگر صحیح تربیت و آموزش داده نشود، دور شدن از تربیت بدنی است. به نظر من این دو مقوله از هم جدا هستند.

الان در مدارس تربیت بدنی وجود دارد، ولی باید جلدی‌تر باشد، چرا که تربیت بدنی گهواره‌ی قهرمانی است. ما باید بتوانیم به فدراسیون‌ها ملحق شویم تا فدراسیون‌ها در مدارس استعدادیابی کنند.

۱۰ تا ۱۳ ساله‌ها را ببینند و ۱۴ ساله‌ها را برای رشته‌های گوناگون انتخاب کنند. به نظر من نوجوانان ۱۴ یا ۱۵ ساله را می‌توان برای رشته‌های گوناگون (همه‌ی رشته‌ها) انتخاب کرد. باید پیکر سنجی کنید. ابتدا تربیت بدنی را به بچه‌ها آموزش دهیم و بعد با توجه به استعدادهایشان آن‌ها را به ورزش‌های حرفه‌ای هدایت کنیم تا بتوانند از معلمین خود بهره‌مند شوند.

❑ ورزش در سال‌های گذشته در مدارس به چه شکلی آموزش داده می‌شد در آن زمان که شما معلم ورزش بودید، بیشتر به ورزش اهمیت می‌دادند یا الان؟

○ به نظر من به مدیرکل استان و کارشناسان بستگی داشت. البته متأسفانه باید بگویم که هنوز هم آن‌طور که باید و شاید ورزش در مدارس ما جا نیفتاده است و الان هم احساس می‌کنم که فاصله‌ی خیلی زیادی بین ورزش مدارس و آن درجه‌ی عالی که مورد نظر ماست، وجود دارد.

به نظر من به ورزش مدارس باید بیشتر رسیدگی و توجه شود. ما می‌بینیم که تعدادی از دانش‌آموزان از نظر فیزیک بدنی ناقص هستند، یا این که نحیف و ضعیف‌اند. علاوه بر



□ دبستان می تواند بزرگ ترین گهواره‌ی ورزش ایران باشد و می تواند بزرگ ترین قهرمانان را پرورش دهد

چه قدر در مراحل اولیه می تواند ترقی کند. معلم ورزش در طول سال با دانش آموز است و خیلی راحت می تواند از راه های متفاوت به استعداد های دانش آموز پی ببرد و آن ها را تشخیص دهد؛ چون زمان خوبی را هم در اختیار دارد.

□ ما چه پیشرفت هایی در ورزش کشور داشته ایم؟ این پیشرفت ها مدیون چیست و چه طور می تواند ادامه پیدا کند؟

○ بعد از انقلاب، وضعیت ما در خیلی از رشته های ورزشی بسیار بهتر شده است، به خصوص در ورزش های رزمی خیلی خوب ترقی کرده ایم. چون مردم و دانش آموزان و جوانان از این رشته ها استقبال کرده اند. مریدان خیلی خوبی داشته ایم که بلافاصله قهرمان آسیا، جهان و المپیک شدند و این توانست به آن ها کمک زیادی کند و امکانات و سالن برایشان فراهم شد. ما باید دو گونه ابزار در اختیار داشته باشیم: سخت افزاری و نرم افزاری. سخت افزاری، سالن و امکانات ورزشی، و نرم افزاری، معلم و ایده و عقیده ی اوست، ارتباطات بین المللی که می توان برقرار کرد، حضور در میادین بین المللی و حضور مریدان خارجی.

ما الان حدوداً ۵۵-۵۴ نفر مربی خارجی در ایران داریم که در اکثر رشته ها می توانند کمک باشند. ولی قبلاً بدین صورت نبود، قبلاً به ندرت ما مربی ورزشی خارجی داشتیم که در اختیار قهرمانان ملی باشند. در طول سال، ورزش های گوناگون اردو دارند: تکواندو، جودو و دیگر رشته های ورزشی. در گذشته، وقتی برای تیم ملی انتخاب می شدیم، دو سه روز اردو بودیم و بعد مسابقه داشتیم. ولی الان در طول سال اردو برگزار می شود و این بسیار مهم است.

□ آیا پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ورزش کشور ما پیشرفت های بیشتری داشته است؟

○ پس از انقلاب، ورزش حرفه ای اهمیت یافته و توجه زیادی به آن شده است. رشته های گوناگون هم مورد توجه قرار گرفته اند. این توجه، هم سخت افزاری و هم نرم افزاری بوده است و امکانات جدید در رشد و تشویق ورزش ها تأثیر داشته اند. اکثر قهرمانان المپیک قبل از انقلاب، با ۵۰۰ دلار هم قانع بودند، اما الان اکثر قهرمانان المپیک ۱۰۰ میلیون تومانی هستند و تمام سازمان ها هم کمکشان می کنند و این خیلی مهم است.

به نظر من ورزشکار حرفه ای در ایران تأمین است. ما الان در اکثر رشته های ورزشی پشتوانه ی زیادی داریم. بعد از موضوع دوپینگ که برای تیم وزنه برداری پیش آمد، این تیم در مسابقات قهرمانی آسیا نایب قهرمان آسیا شد که اکثر آن ها زیر ۲۰-۱۹ سال بودند.

□ روند پیشرفت ورزش کشورمان را در مقایسه با کشورهای

طرز حرف زدن خود توجه داشته باشد، به سروقت حاضر شدن اهمیت بدهد، و از همه نظر الگو باشد. اگر الگو باشد، مطمئناً مورد تأیید همه خواهد بود و بچه ها و حتی مدیر و ناظم مدرسه از او تبعیت می کنند.

معلم باید عاشق باشد و زمان و مکان برایش مطرح نباشد. مسائل حاشیه ای نداشته باشد و خودش را در طبق اخلاص خدمت به دانش آموزان قرار دهد. البته زندگی اش هم باید تأمین شود. او باید از آینده ی خودش مطمئن باشد. به او فرصت مطالعاتی بدهند تا بتواند در زمینه ی رشته ی مورد علاقه اش ادامه ی تحصیل بدهد و به آینده امیدوار باشد. در این مجموعه، مدیر مدرسه می تواند خیلی مفید و مؤثر باشد و معلمین سایر دروس می توانند کمک کنند. همه ی مدرسه باید ورزش را باور کنند. حتی سرایدار یا مستخدم مدرسه هم می تواند یک عامل بازدارنده باشد.

معلم ورزش می تواند محور باشد، می تواند ستون باشد و اگر ستون شد، می تواند بزرگ ترین ساختمان ها را بنا کند. اگر ستون ضعیفی بسازد، بنا مستحکم نخواهد بود. در جامعه ی ما، به نظر من آن طور که باید و شاید به معلمین ورزش اهمیت ویژه نمی دهند، ولی باید این کار انجام شود. البته برای انجام این کار دیر هم نشده است.

□ این کار باید از کجا شروع شود؟

○ از خود وزارت آموزش و پرورش. باید افراد خبره را به کار بگیرد؛ افرادی که از ورزش دور و با مسائل تربیتی بیگانه نباشند. تربیت در ورزش بسیار بسیار مهم است. تربیت خانوادگی اهمیت دارد. هم چنین تربیت اخلاقی و صادق بودن. چرا که اگر کسی در کار خود صداقت نداشته باشد، نمی تواند موفق باشد.

□ در صحبت هایتان وظایف، شرایط و ویژگی های یک معلم را تا حدودی بیان کردید. اگر در این مورد صحبت دیگری هست، بفرمایید.

○ معلم باید تخصص و اطلاعات عمومی ورزشی داشته باشد. اگر خودش هم نمی تواند، باید از دیگران بخواهد تا کمکش کنند. او در تمام جهات باید یک انسان به تمام معنا باشد و یک روان شناس بسیار خوب. معلم خوب باید یک دوست، و یک پدر و یک مادر خوب برای دانش آموزش باشد. الان هم از معلمین جوان می خواهم با عشق کار کنند، خودشان را تجهیز کنند و با علم و دانش جلو بروند.

□ ویژگی های یک معلم خوب برای کشف استعداد های درخشان دانش آموزان چیست؟

○ باید علم ورزشی داشته باشد و علم پیکر شناسی، فیزیولوژی و آناتومی بداند. مثلاً بداند که یک دو میدانی کار تا چه حدی از نظر جسمی قرار دارد، یا در پرش طول بداند که این فرد

دیگر چگونه تحلیل می کنید؟

○ بعضی از رشته های ورزشی ما خودجوش بوده اند، یعنی خود مردم نقش داشته اند و مربی کمتر نقش داشته است. ما باید یک سیستم صددرصد در آموزش و پرورش و در دانشگاه داشته باشیم که الان نداریم. یعنی آن جوشش استعداد، استعدادیابی، گسترش ورزش، توجه به معلمان ورزش و امکانات مدرسه باید باشد. در ژاپن، در کنار تمامی مدارس سالن وجود دارد. در آلمان هم همین طور. در تمامی کشورهای پیشرفته دنیا به ورزش دانش آموزی بسیار اهمیت می دهند. اکثر قهرمانان دانش آموز هستند و بهترین معلمان ورزش در دبستان کار می کنند. ولی ما این طور نیستیم. به همین دلیل نمی توانیم همه ی رشته های ورزشی را با هم مقایسه کنیم. مثلاً در فوتبال، با توجه به این که گسترش پیدا کرده است، ولی نتایج به صورت نامرتب است؛ البته این موضوع دلایل بسیار زیادی دارد که از بحث ما خارج است.

اکثر کشورها سیستم دارند و طبق آن حرکت می کنند و به جلو می روند. کشور ما نیز سیستم دارد، ولی ناقص است. پس نمی توانیم توقع نتیجه ی مطلوب داشته باشیم. گاهی ممکن است نتایج خوب هم داشته باشیم، ولی نمی توانیم همه ی سیستم را جلو ببریم. چون در سیستم ما نقص وجود دارد؛ حالا یا بودجه است، یا نیروی انسانی، یا امکانات، یا مربی و غیره.

ما باید به ورزش دانش آموزی توجه بیشتری نشان دهیم و اگر بخواهیم وضعیت بهبود یابد، باید برنامه ریزی خاصی داشته باشیم. تمام مدارس باید امکانات ورزشی داشته باشند، در حالی که اکثر مدارس نه معلم دارند و نه امکانات ورزشی. دانش آموز کجا باید ورزش کند؟

□ نقش آموزش و پرورش در غنی سازی ورزش دانش آموزی در

مدرسه چیست؟ آیا تا به حال عملکرد مثبتی داشته است؟

○ نقش آموزش و پرورش به نظر من بسیار تعیین کننده است، ولی این نقش کمتر به ثمر رسیده است. به خاطر این که آموزش و پرورش توجه لازم را به رشد و شکوفایی استعدادها در ورزش ندارد و باید این توجه را دقیق تر و بیشتر کند. چنانچه این توجه وجود داشته باشد، شما مطمئن باشید که نقش آموزش و پرورش می تواند بسیار سازنده و کارساز باشد.

□ شما چه راهکارهایی را برای هماهنگی و همکاری دوسویه

بین سازمان تربیت بدنی، کمیته ی ملی المپیک و آموزش و پرورش توصیه می کنید؟

○ در تمامی کارها، برای رسیدن به موفقیت باید منبت را کنار بگذاریم و فقط به کار فکر کنیم. به آینده ی مملکت فکر کنیم، نه به پست و میز و مقام. به کاری که به ما محول شده است، توجه کنیم و خالصانه به میداين ورزشی بیايم. آن چه را که

داریم، خالصانه در طبق اخلاص بگذاریم؛ چه آموزش و پرورش، چه تربیت بدنی و چه کمیته ی المپیک. ببینیم که این سه رکن چه خدمتی می توانند به ورزش مملکت بکنند. کمیته ی ملی المپیک از نظر فیزیکی چه کمک هایی می تواند داشته باشد، و تربیت بدنی و آموزش و پرورش از نظر نیروی انسانی چه کمکی می تواند بکنند.

الان نرم افزار آموزش و پرورش ما دریایی از دانش آموز است. کمیته ی المپیک امکانات ویژه ی مالی دارد و سازمان تربیت بدنی می تواند از نظر سخت افزاری همکاری کند. باید سازمانی باشد که این ها را منسجم کند و برایشان وظیفه تعیین کند. در این صورت است که می توانیم از امکانات کمیته ی ملی المپیک و سخت افزار سازمان تربیت بدنی و نرم افزار آموزش و پرورش استفاده کنیم و مجموعه را به جلو ببریم تا جایی که بتوانیم آن را تحویل فدراسیون ها بدهیم. آن موقع فدراسیون است که باید نقش اساسی را بازی کند و وارد معرکه شود. از این هماهنگی که بین سازمان ها به وجود آمده است، بهره برداری کند و کارش را منطبق با اصول و قانون و مقررات جلو ببرد. اردوهای کوتاه مدت، میان مدت، بلندمدت و اعزام های گوناگون، توجه به نوآموزان، توجه به جوانان، توجه به بزرگ سالان، و توجه به دانش آموزان را در سرلوحه ی کارش قرار دهد تا بتواند موفق شود.

□ جایگاه آموزش و پرورش در ورزش قهرمانی دانش آموزان ما چگونه است؟

○ فدراسیون ورزش های دانش آموزی، بودنش خوب است، ولی متأسفانه آن طور که باید و شاید به آن توجه خاص نشده است. ببینید وقتی یک رئیس سازمان با ورزش غریبه باشد و نداند که گهواره در کجا حرکت می کند و این دانش آموز در کجا می تواند رشد داشته باشد، نمی توانیم از وی توقع داشته باشیم. به نظر من، الان بهترین موقعیت است که آموزش و پرورش سیستمی را که به آن اشاره کردم، پیاده کند. البته توسط کسانی که به ورزش دانش آموزی علاقه مند باشند. آقای علی آبادی، به ورزش دانش آموزی علاقه مند است و به همه ی فدراسیون ها تأکید کرده است که به نوجوانان، خردسالان و جوانان توجه ویژه داشته باشند.

کمیته ی ملی المپیک هم اگر بخواهد می تواند کمک کند که دارد این کار را می کند. برای سال ۲۰۱۲ هم برنامه ریزی کرده اند. الان همه ی توجه آکادمی المپیک به دانش آموزان است. فضای خوبی فراهم شده است که همه با هم با سیستم پیش بروند، نه این که کار تبلیغاتی کنند یا نمایش بدهند. باید به سراغ دانش آموزان علاقه مند برویم و پدر و مادران را با ورزش آشنا کنیم.

□ روند پیشرفت ورزش دختران را در کشور چگونه تحلیل

ورزش می تواند بزرگ ترین آزمایشگاه باشد، بزرگ ترین نیروساز باشد

می کنید؟

○ به ورزش دختران نیز در سال های اخیر توجه خاص شده است. اما برای پیشرفت ورزش زنان باید باور کنیم که نیمی از جامعه ی ورزشی ما را خانم ها تشکیل داده اند، و باور کنیم که باید نیمی از مدال های ما را خانم ها بیاورند. شما الان مدرسه ای را سراغ دارید که دانش آموزان دختر بتوانند در آن راحت ورزش کنند؟ البته خیلی کم دارید. اگر ما سالن داشته باشیم، این دانش آموزان چه فرقی با دانش آموزان پسر دارند؟ حتی در مواردی، رشد آن ها بیشتر از پسر هاست. حاشیه ی دخترها کمتر از پسر هاست. آزادی پسر ها از دختران بیشتر است. چرا دختران این آزادی ها را در سالن ها تجربه نکنند؟ می توانند واقعاً موفق باشند. اگر ما امکانات سخت افزاری را در اختیارشان قرار دهیم و هیئت ها را فعال کنیم، آن ها می توانند موفق شوند. یعنی کمبود در سخت افزار است و ما باید توجه بیشتری به آن داشته باشیم. همان مقدار که از پسران توقع است، از دختران هم هست، ولی امکانات برای ورزش دختران کم است.

□ برای پیشرفت ورزش بانوان چه توصیه ای دارید؟

○ بیشتر به مقوله ورزش دختران توجه کنند. باید هم سازمان تربیت بدنی، هم کمیته ملی المپیک، هم ورزش دانش آموزی، و هم وزارت آموزش و پرورش، همه به هم کمک کنند. بیشتر سالن های ورزشی ما به آموزش و پرورش و شهرداری ها اختصاص دارد. می شود از این سالن ها مشترکاً استفاده کرد. این کار سیستم می خواهد و اگر ما بخواهیم این کارها را انجام دهیم، اگر برنامه ریزی نباشد و راه درستی نباشد و آینده نگری درست نباشد، نمی توانیم موفق شویم. اگر سالن باشد، دانش آموز و معلم باشد، ولی برنامه ریزی نباشد، نمی شود پیشرفت کرد؛ چرا که این ها زنجیروار به هم پیوسته هستند. باید این پیوستگی را به وجود آورد.

□ برای این که معلمین ورزش ما از جدیدترین روش های آموزشی

برای آموزش دانش آموزان استفاده کنند، چه باید کرد؟

○ قبلاً یک برنامه ی آموزشی ضمن خدمت بود که در تابستان همه ی معلمین را جمع می کردند و در رشته های گوناگونی این طرح اجرا می شد. یعنی به محض تعطیلی مدارس تا بازگشایی مجدد، تمام معلمین زیر پوشش آموزش عالی قرار می گرفتند. آموزش ضمن خدمت بسیار مؤثر است. باید فضای پیشرفت را برای معلمین فراهم ساخت. مثلاً ادامه ی تحصیل از سطح دیپلم به فوق دیپلم، لیسانس به فوق لیسانس و غیره. باید معلم را عاشق کرد. فیلم و اسلاید در اختیارش قرار داد و با علم روز دنیا آشنایش کرد. معلمان باید به کشورهای خارج اعزام شوند و یا از کشورهای خارج معلم

دعوت شود. وقتی وسایل و امکانات فراهم باشد، عشق و

شور در معلم شعله ور خواهد شد و می تواند موفق باشد.

□ شما علاوه بر معلمی، در بخش های گوناگون اداری کشورمان هم پست های مدیریتی داشته اید. کدام یک از این ها برایتان دلچسب بوده است و از آن لذت برده اید؟

○ من در اصفهان کارشناس تربیت بدنی بودم. مدیرکل تربیت بدنی اصفهان بودم و دو مرتبه مدیرکل تربیت بدنی در تهران شدم و مدیرکل دفتر برنامه ریزی بودم. دو یا سه دوره هم دبیرکل کمیته ی ملی المپیک بودم که هر دوره آن چهار سال است. در سطح دبیری کمیته ی ملی المپیک، راحت تر می توانستم خدمت کنم و با فدراسیون ها ارتباط برقرار کنم. همین طور با کشورهای دیگر. زمانی که می توانستم برای معلمین و مربیان کشور کلاس های آموزشی برگزار کنم، از کارم لذت بیشتری می بردم. برای کار، زیادتر وقت می گذاشتم و به هر صورت بیشتر مفید بودم. زمانی که رئیس فدراسیون ژیمناستیک بودم، کار بنیادی کردم. مدتی مشاور و مدتی هم معاون فرهنگی بودم. معاون فنی سازمان هم بودم. در تربیت مدرس تدریس کردم و پنج مدرس از کانادا آوردم و یک ماه کلاس گذاشتم. آدم عاشق را هر کجا بگذارید، مطابق عشقش رفتار می کند.

□ چه پیشنهادی برای آموزش و پرورش برای بهتر شدن ورزش مدارس دارید؟

○ باید ورزش ما را باور کنند. باید باور کنند که دانش آموز به محبت و تربیت، و معلمین خوب و دلسوز نیاز دارد، تا هم از نظر فکر و هم از نظر جسم پرورش پیدا کنند. الان دیگر فکر هم مطرح است و فقط جسم نیست. باید این دو با هم باشند. اگر با هم نباشند، به این می ماند که کبوتری بخواهد با یک بال پرواز کند. باید به آینده ی دانش آموزان توجه داشته باشند. باید مسائل پرورشی را فدای فضای آموزشی نکنند و عاقلانه نسبت به ورزش فکر کنند. ورزش می تواند بزرگ ترین آزمایشگاه و بزرگ ترین نیروساز باشد. بزرگ ترین انسان ها را می توان در ورزش ساخت؛ هم از نظر ورزشی، هم از نظر قهرمانی و هم از نظر علمی.

□ از جناب عالی تشکر می کنیم که قبول زحمت کردید و وقت گذاشتید تا معلمین و مخاطبان مجله با نظراتتان بیشتر آشنا شوند. در پایان اگر مطلب دیگری هست، بفرمایید؟

○ من هم برای شما و همه ی مسئولین در مجله ی رشد تربیت بدنی آرزوی موفقیت می کنم. من همیشه خودم را معلم می دانم و از این لذت می برم. هنوز هم فکر می کنم، جایگاهم جایگاه معلمی است و وقتی معلم بودم، بهترین اوقات زندگی من بود.